۲

نگاهی به مقام حضرت فاطمه علیها السلام

متن سخنرانی استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی به مقام حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

نگاهی به مقام حضرت فاطمه علیهاالسلام ----- ۶

مشخصات کتاب ----- ۶

اشاره ----- ۶

سخن ناشر ----- ۱۲

هر موجودی چهار وجود دارد ----- ۱۴

چهار وجود برای قرآن مجید ----- ۱۵

قرآن عینی و حقیقی فقط در وجود انسان کامل ----- ۲۱

فاطمه علیها السلام، از مصادیق واقعی آیات قرآن ----- ۲۲

فاطمه سلام الله علیها بلد طیّبهٔ است ----- ۲۶

تعریف جامع و مانع از فاطمه سلام الله علیها ----- ۳۰

فاطمه سلام الله علیها، حبیبهٔ حق است ----- ۳۱

بهار علی علیه السلام کنار فاطمه سلام الله علیها ----- ۳۷

خزانِ بهار علی علیه السلام ----- ۳۸

درباره مرکز ----- ۴۲

نگاهی به مقام حضرت فاطمه علیهاالسلام

مشخصات کتاب

شابک::۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۲۵-۱ ۳۵۰۰۰ریال

شماره کتابشناسی ملی:۱۹۴۸۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور:نگاهی به مقام حضرت فاطمه علیهاالسلام/مولف حسین انصاریان ؛ ویرایش و تحقیق مرکز علمی دارالعرفان الشیعی .

مشخصات نشر:قم: دارالعرفان، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:۳۳ص.؛م.س. ۷/۵ ۱۶ X

موضوع:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ - -- وعظ

موضوع:فاطمه زهرا سلام الله علیها ، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- فضایل

رده بندی دیویی:۲۹۷/۰۸

رده بندی کنگره:BP۱۰/۵/الف۸۲ن۸ ۱۳۸۸

سرشناسه:انصاریان، حسین، ۱۳۲۳ -

شناسه افزوده:انتشارات دارالعرفان

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

ص :۱

اشاره

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی ها محفوظ می دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می باشد.

در این خصوص، دست یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگا حساس و ویژ آن ها در حیات انسانی، ضروری احساس می شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقّق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن

ص:۷

سخنرانی های معظّم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی های استاد نیز تشنگانِ معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از بیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدّس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

ص:۸

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العالمین و الصلوهٔ و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین حبیب الهنا وطبیب نفوسنا ابی القاسم محمد صلی الله علیه و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین

هر موجودی چهار وجود دارد

کسانی که در فلسـفهٔ الهی و در عرفان مثبت کار کرده و کارکشته شده اند و متخصّص فن شناخته شده اند، برای هر موجودی در این عـالم، چهار وجود قایلنـد. آنان برای گفتار و مطلب خود در این بحث، فقط به یک حقیقت مثل می زننـد و آن، کتاب خـدا قرآن مجیـد است. البته، آن هـا بحث خود را به صورت کلی مطرح نموده و بیشتر آن ها هم مثالی را برای آن ذکر نکرده اند؛ چون فکر

ص:۹

می کردند چنین مسأله ای، برای همهٔ مردم، مسألهٔ روشن و واضحی باشد.

چهار وجود برای قرآن مجید

قرآن مجید، دارای چهار وجود است؛ یعنی دارای چهار جلوهٔ هستی می باشد.

یک وجود قرآن، وجود کتبی قرآن است که عبارت می باشد از مجموعهٔ سی جزء قرآن که با قلم بر صفحه نوشته می شود؛ همین قرآنی که به فرمودهٔ شیخ صدوق، بین دو جلد، در سی جزء، در صد و بیست حزب، در شش هزار و ششصد و چند آیه، در اختیار ماست. این قرآن، با قرآن زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم یک نقطه هم اختلاف ندارد. ترتیب این قرآن همان ترتیب زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می باشد. آیاتش هم بی کم و زیاد، آیات زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم است. (۱)

در یک کلمه، اگر این گونه نبود، حجت خدا بر بندگانش کامل نبود و ناقص بود و خدا هم حجت ناقص ندارد. در همه چیز و در هر کجا، حجت پروردگار عالم، کامل، تمام و جامع است. برای این که به قول خود قرآن، تا فردای قیامت، کسی به خداوند نگوید: اگر راهنمایی کرده بودی، و اگر گفته بودی، من عمل می کردم. از کجا معلوم

۱- (۱)) . شیخ صدوق، اعتقادات، تحقیق عصام عبدالسید، ص.

می شود که من عمل نمی کردم. خود پروردگار می گوید، من این هدایت را کامل و جامع فرستادم که روز قیامت کسی بر خدا حجت نداشته باشد: (لِئَلّا یَکُونَ لِلنّاسِ عَلَی اللّهِ حُجَّهٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ کانَ اللّهُ عَزِیزاً حَکِیماً). (۱)این وجود وجود کتبی قرآن هست.

وجود دوم قرآن ، وجود لفظی است. وجود لفظی قرآن، عبارت است از آیاتی که انسان از روی صفحهٔ کاغذ یا از صفحه ذهنش، بر زبان جاری می کند : (ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ). (۲)

همان وقتی که داریم یک خطبه را، یک صفحه کاغذ را، یک(ذلِکَ الْکِتَابُ لاَ رَیْبَ فِیهِ) را بر زبان جاری می کنیم؛ یعنی آیه را تلفّظ می نمایم و آن را می خوانیم. در این جا، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، به خوانندگان قرآن، یک سفارش بسیار بسیار مهم دارد که خوانندگان قرآن باید این سفارش

۱- ((۱)) . نساء: ۱۶۵.

۲- ((۲)) . بقره: ۱.

پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را حتماعمل کنند. آن سفارش این است که شما باید هنگام خواندن قرآن، (طهروا افواهکم .) (۱): با دهان و زبان پاک، قرآن را بخوانید. با دهان یهودی مسلک، با زبان مسیحی مسلک، با زبان لائیک مسلک، با زبان آلوده به حرام، با دهان آلوده به گفته های باطل، یاوه، سب، ناسزا و فحش، قرآن را نخوانید. این قرآن، دارای پاک ترین آیات، پاک ترین کتاب و پاک ترین حکمت است که باید در دهان های پاک جاری بشود؛ یعنی اگر کسی بخواهد قاری مورد قبول خدا باشد، همیشه پاک می ماند؛ دهانش؛ زبانش؛ بدنش؛ جسمش؛ پوستش؛ گوشش. قرآن کریم، حریم علم پروردگار است. ورود به این حریم، باید با پاکی انجام بگیرد: (لاٰ یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ .) (۲)برخی از مفسران می گویند: فعل: (لاٰ یَمَسُّهُ) ، معنای امری دارد؛ یعنی

ص:۱۲

۱- (۱)) . مستدرک الوسائل، محقّق نوری، تحقیق مؤسسهٔ آل البیت:، ج۱، ص.

۲- (۲)) . واقعه: ۷۹.

کسی که پاک نیست حق ندارد با قرآن تماس بگیرد؛ لذا دیده می شود حضرت زهرا سلام الله علیها بعد از مرگ پیغمبر، یکبار هم، نه هنگام باز بودن پنجره، و نه با باز کردن پنجره، اگر بسته بود، نخواسته که صدای اذان گویان حکومت زمان خودش را بشنود؛ مستمع نشد.

ما یک استماع داریم و یک سماع. یک وقت، صدا به گوش می خورد، ولی آدم اصلاً توجّهی به آن صدا ندارد. حتّی به صدای الفاظ هم متوجّه نیست تا چه برسد به معانی آن ها.

صبح، ظهر و شب، کنار مسجد پیغمبر که خانهٔ حضرت زهرا سلام الله علیها در آن جا بود، اذان می گفتند و ایشان نشنید؛ چون نمی خواست بشنود. در این نود و پنج روز، فقط یکبار به درخواست خودش، بلال اذان گفت که آن هم نیمه کاره ماند؛ چون این زبان، این گلو و این بدن، این روح را صد در صد پاک می دانست. او می گفت: (الله اکبر) از این گلو و زبان، شنیدنی است، ولی نسبت به بقیهٔ (الله اکبر)ها باید درِ گوش را گرفت و نباید شنید:

ص:۱۳

زیبقم (۱) در گوش کن تا نشنوم یا درم بگشای تا بیرون روم (۲)وقتی ابلیس به عیسی بن مریم علیه السلام گفت: یک (لا اله الا الله) بگو. گفت: نمی گویم. گفت: مگر این شعار توحید نیست؟ گفت: چرا. گفت: پس چرا نمی گویی. عیسی علیه السلام گفت: برای این که تو می گویی، من نمی گویم؛ چون گفتار تو و درخواست تو، توأم با آلودگی است و هدف ناشایستی از آن داری که وقتی به من می گویی، آن را بگو. من نمی گویم؛ (لا ـ اله اله الله)ای که تو می گویی، با هر آلودگی ای می سازد و این (لا اله اله الله)ای که ما می گوییم، با هر پاکی ای می سازد.

ص:۱۴

۱- (۱) . زیبق؛ یعنی سیماب(فلزی مایع)، جیوه

۲- (۲) . سعدی.

این که چه کسی آن را اظهار می نماید، فرق می کند. (۱) به هر حال، این وجود دوم است.

پس یک وجود قرآن، وجود کتبی آن است و یک وجود دیگر آن، وجود لفظی.

امّا وجود سوم قرآن، وجود ذهنی است. حفظ قرآن، گاهی با یک قرآن روی کاغذ است و گاهی با یک قرآن بر روی زبان، و گاهی هم با یک قرآن در حافظه، حافظ قرآن است. آن قرآن هم قرآن است، ولی وجود ذهنی قرآن.

وجود چهارم کتاب خدا، وجود عینی آن است. (عین)؛ یعنی وجود حقیقی؛ به عبارت دیگر؛ یعنی وجودی که همهٔ آثار شیء، از این وجود ظهور می کند.

حالا این پرسش مطرح می شود که وجود عینی قرآن کدامیک از این قرآن های گفته شده است.

۱- (۱)) . إحیاء علوم الدین، جلد۸، ص۵۳.

این قرآن هـایی که آن را تلاوت می کنیم، قرآن کتبی است. قرآن های موجود در ذهن حافظان هم که وجود ذهنی آن است. قرآنی نیز که بر روی زبان جاری می شود، قرآن لفظی است. پس آن قرآن عینی کدام است؟

قرآن عینی و حقیقی فقط در وجود انسان کامل

قرآن عینی و قرآن حقیقی را فقط بایـد در وجود انسـان کامـل ببینیـد. مـا یـک مقـدار قرآن حفظ هستیم و قاری قرآن هم می باشـیم و چنـد جور هم قرآن چاپی در خانه هایمان داریم، اما ما قرآن عینی نیستیم. قرآن عینی فقط در وجود انسان کامل قابل مشاهـده است؛ یعنی آن انسانی که از ابتدای ورود به تکلیف یا بندگی خدا تا لحظهٔ خروج از دنیا، در ایمان، اخلاق و عمل از نظر قرآن کم نداشت. این سخن، تعریف قرآن عینی است.

ارزش این قرآن عینی، برای کسی قابل درک نیست؛ علتش هم این است که عقل های ما محدود

بوده و دنیـا هم محـدود است. ما اگر بخواهیم چیزی را عظیم تر از این دنیا ببینیم، این جا نمی توانیم آن را ببینیم؛ چون این جا گنجایش آن را نـدارد و ما را بایـد در یک عالم دیگری ببرنـد که در آن عالم، حقیقت انسان کامل قابل ظهور باشـد و بعد به اولین و آخرین انسان ها بگوینـد، اگر می خواهی آن انسان کاملی را ببینی که مصـداق عینی قرآن بوده، الان آن برای تو قابل دیـدن و قابـل تماشـاست؛ آن هم نه بـا چشم سر؛ بلکه بـا چشم عقلی که به عین الله وصـل است؛ چـون اگر آن چشم قلب هم وصل به چشم خدا نباشد، آن انسان کامل هم با کمالاتش برای تو قابل مشاهده و قابل دیدن نخواهد بود.

فاطمه علیها السلام، از مصادیق واقعی آیات قرآن

حالاـ ما بایـد برای درک این وجود عینی، به سـراغ یک انسان کامل یا به تعبیری، قرآن عینی و مصـداقی برویم. من برای شـما چند آیه قرائت

ص:۱۷

می کنم و بعد طبق خود قرآن و روایات، دنبال مصداق این آیات می گردم. خیلی راحت هم این مصداق قابل پیدا کردن است؛ چرا که تاریخ اسلام از زمان بعثت پیغمبر تا الان که ما این جا نشسته ایم، تقریباً به صورت روشن در اختیار ماست و ما در کلّ امت، یکی از انسان های کاملی را که می توانیم بگوییم از مصادیق واقعی آیات قرآن است، حضرت فاطمه سلام الله علیها است. در این بخش هم قرآن فقط یک مصداق دارد و دو تا مصداق ندارد. شما هیچ دلیلی را هم نمی توانید پیدا کنید که در این بخش خاص، قرآن دو مصداق داشته باشد. در این بخش، یک انسان کامل، بیش تر وجود ندارد و بقیهٔ انسان ها ما دون این انسان و زیر مجموعهٔ او در کمالات و فضایل هستند و آن، وجود مبارک فاطم زهرا سلام الله علیها است که در زنان جهانیان، تنها انسان کاملی که مصداق آیات قرآن می باشد، اوست. مریم کبری سلام الله علیها ، خدیجه کبری سلام الله علیها ، زینب کبری سلام الله علیها و هر زنی که در دایرهٔ انسان کامل بودن می باشد، ما دون ایشان است و او مصداق اتم،

اجمع، اکمل، اکتع (۱) مجموعهٔ آیات قرآن مجید در جنس زنان،بوده و دومی و هم وزن دیگری ندارد.

این مطالبی که می گویم، دلیل قرآنی همراه آنان است، نه این که به عنوان یک روحانی شیعه، برای مستمع شیعه، عظمتی را بسازم و القا بکنم. عظمت سازی بدون دلیل قرآنی و روایتی، کار نادرستی است. لطف مسأله، این است که ما از چهارچوب قرآن و روایات برای معرفی این عزیزان بیرون نرفته و از خودمان چیزی را نسازیم؛ چون اگر از چهارچوب قرآن و روایات، آن ها را به کنار ببریم، یا دربارهٔ آن ها دچار افراط می شویم یا دچار تفریط؛ چنان که آن هایی که دچار تفریط شدند، صدیقهٔ طاهره را تا جایی پایین آورده اند که در حقّ او فقط می گویند حضرت زهرا سلام الله علیها زنی بزرگوار، همسرِ علی بن ابی طالب و انسانی پاک است و قابل این است که الگو باشد. این ها در جادهٔ تفریطند، و آن هایی که مقام سازی می کنند، آن هم مقام

۱- (۱) *. همگی.

الوهیت و ربوبیت برای آن حضرت، آنان نیز در جادهٔ افراطنـد؛ چرا که قرآن می گوید: (لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ.) (۱): هیچ چیزی در این عـالم، در هیـچ چیزی،ماننـد خـدا نیست. بنا براین، بهترین راه شـناخت، آیات قرآن و روایاتنـد که نه افراط دارنـد و نه تفریـط. قرآن کلاـم عـدل است؛ قرآن کلام حق است. البته، آیاتی که مصـداق اکتع و اکملش این انسان کامل در جنس زنان است، کم نیست. من برای نمونه چنـد آیه آن را می خوانم، شایـد هم بعضـی از این آیـات برای تان تازگی داشـته باشـد. فکر نکنیـد که می خواهم به سـراغ آیـهٔ تطهیر و آیـهٔ مباهله و آیات سورهٔ دهر بروم که این آیات را صـدها بار شـنیده ایـد. آنها در جای خودش معلوم و روشن است؛ بلکه باید دربارهٔ این آیه که می گویم و آثارش، دقت کنید.

۱- ((۱)) . شوری: ۱۱.

فاطمه سلام الله علیها بلد طیّبهٔ است

یـک کـاری که خداونـد متعـال برای نزدیـک کردن حقایق به ذهن مخاطبش در قرآن کرد، مثل زدن است. در همـهٔ زمینه ها، زمینه های علمی، طبیعی، فلسـفی، عرفانی، انسانی و اخلاقی، خداوند مثل زده است، همه. این مثل ها در قرآن مجید هست: (وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ) (۱): ما این مثل ها را برای شناخت شما می زنیم تا شما را به حقیقت نزدیک کنیم و شما راحت تر با مَثَل به عمق حقیقت برسید.

ببینیـد این آیه چه می گوید: (وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ ...) . (۲) نمی گوید: (وَ الْبَلَدُ). سـرزمین خالی را نمی گوید؛ بلکه سرزمین را مقیّد به کلمهٔ طیّب می کند. حالا شما همین لغت طیّب را با مشتقاتش در قرآن

۱- (۱)) ۱. حشر: ۲۱.

۲- (۲)) ۲. اعراف:۵۸.

بگیرید: (وَ الطَّیِّبٰاتُ لِلطَّیِّبِینَ) (۱)، (أَذْهَبْتُمْ طَیِّبٰاتِکَمْ) (۲)، (طِبْتُمْ). (۳) (طیّب)، این لغت یعنی چه؟ کلمهٔ (طیّب)؛ یعنی پاکِ نابی که هیچ آلودگی با او گره ندارد؛ (طیب) مقابل (خبیث) است؛ چون در آیه بعد هم کلمهٔ (خبیث) را آورده و رو در روی (طیّب) قرار داده است. این رو در رویی، در خیلی چیزها هست: نور و ظلمت، حق و باطل، ابلیس و خدا، حرام و حلال، حیات و مرگ. این ها همه با هم تقابل دارند. تقابل دارند، یعنی چه؟ یعنی این که هیچ کدام با یک دیگر هیچ نسبتی ندارند. طیّب یک داستانی دارد و خبیث هم یک داستانی دیگر؛ هم چنین نور یک داستانی دارد و ظلمت یک داستان دیگر. شما به اندازهٔ یک سر سوزن ظلمت را در نور پیدا نمیکنی. یک سر سوزن نور را هم در ظلمت پیدا نخواهی کرد. اصلاً این دو تا با هم

۱- (۱) ۱. نور: ۲۶.

۲- (۲) ۲. احقاف: ۲۰.

۳- (۳) ۳. زمر: ۷۳.

تقابل دارند؛ نه صفت ابلیس در خدا هست و نه صفت خدا در ابلیس.

(وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ) : زمین پاک، (یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ) (۱)، خیلی آیهٔ عجیبی است. (طیّب)، (اذن رب)، (نبات)؛ یعنی تا دست خدا در بلد طیّب در کار نباشد، بلد طیّب آثاری را ظهور نمی دهد.

دست خدا وقتی در بلد طیّب بیاید، چه دستی است؟ دست قدرت، دست علم، دست رحمت، دست کرامت، دست احسان، دست فضل. این ها دست خداست.

(وَ الْبَلَدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ .) (۲)دربارهٔ آیه باز دقت بفرمایید. (بلد) با قید (طیّب)، با قید (اذن رب) و (خروج و سر در آوردن آثار این بلد طیّب) است، ولی با دست اندرکار بودن دست خدا که همان دست صفات خداست.

ص:۲۳

۱- ((۱)) ۱. اعراف:۵۸.

۲- ((۲)) ۲. اعراف: ۵۸.

وجود مقدّس حضرت زهرا سلام الله علیها ، بلد طیّب است؛ کسی که در این بلد طیّب دانه پاشید، پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بود. دیگر، باغبانی، نمونهٔ او نیست. یک انسان کامل آمد دانه های قرآن را، آیات توحید را ، علم را، معرفت را، اصالت را، شرافت را، اخلاق را، عمل صالح را در این زمین پاشید. او فقط این دانه ها را پاشید. باغبان این دانه ها، ربّ فاطمه سلام الله علیها بود. خداوند متعال با جلوهٔ ربوبیتش، تمام کاشته های پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را از این سرزمین بیرون آورد.

ص:۲۴

تعریف جامع و مانع از فاطمه سلام الله علیها

پس حالا زهرا سلام الله علیها را با این مقدمه چگونه باید معنا کرد، با این جمله باید تعریف کرد. این جمله را دقت بکنید! این شکل از تعریف را می گوینـد، جامع افراد و مانع اغیار. این تعریف، یک تعریف منطقی است که یک عالِم در این عالَم به این تعریف نسبت به حضـرت زهرا سـلام الله علیها ، راه وارد کردن ایراد را اصـلاً نـدارد. ما به هر کس هم که ایراد بر این تعریف داشـته باشـد، بـا قرآن جواب می گوییم، و یـا فقط با روایات خودشان. این تعریف، مانع اغیار و جامع افراد است؛ یک تعریف علمی و منطقی: حضـرت زهرا سـلام الله علیهـا ؛ یعنی انسـانی که جـامع تمـام کمالات ملکی و ملکوتی و فاقـد تمام عیب ها و نقص ها. او مصداق عینی این آیه است. شما هر چه حقیقت معنوی در این عالم می بینید، از ایشان ظهور کرده و هر چه نعمت اخروی است، فردای قیامت در کنار ایشان بروز می کند. این را از جهت اخرویش، ساده تر معنا کنم.

ص:۲۵

فاطمه سلام الله علیها، حبیبهٔ حق است

که این در روایات ما وارد شده است که دارای معانی عمیقی است که کمتر به آن توجه شده است. در قیامت بنابر روایات اصیل مان، پروردگار عالم به حضرت زهرا سلام الله علیها خطاب می کند: (یا حبیبتی!). (۱)(۲) این عکس آن جملهٔ دعای کمیل است. در دعای کمیل، امیرمؤمنان علیه السلام به خدا می گوید: (حبیب)؛ می گوید: (یَا حَبِیبَ قُلُوبِ الصَّادِقِینَ!). در قیامت خدا به زهرا سلام الله علیها می گوید: ای حبیبهٔ من. این عکس آن جمله است پیش خدا چه چیزی ارزش دارد؟ این قیافه، این بدن، وزن بدن؟ نخیر، آنچه

۱- (۱) ۱. شیخ صدوق، أمالی، تحقیق مؤسسهٔ بعثت، ص۶۹.

۲- (۲) *. بخشی دیگر از متن مورد نظر روایت که امام باقر علیه السلام آن را از جابر بن عبد الله انصاری نقل می کند، چنین است : «قال رسول الله ۶: إذا كان یوم القیامهٔ تقبل ابنتی فاطمهٔ....فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله : یا حبیبتی و ابنهٔ حبیبی! سلینی تعطی ، و اشفعی تشفعی، فوعزتی و جلالی لاجازنی ظلم ظالم. فتقول: إلهی و سیدی! ذریتی و شیعتی و شیعهٔ ذریتی ، و محبی و محبی ذریتی. فإذا النداء من قبل الله جلّ جلاله: أین ذریهٔ فاطمهٔ و شیعتها و محبّوها و محبو ذریتها؟ فیقبلون و قد أحاط بهم ملائكهٔ الرحمهٔ ، فتقدّمهم فاطمهٔ حتی تدخلهم الجنهٔ.»

پیش پروردگار ارزش دارد، فقط واقعیات وجود انسان است که رنگ بی نهایتش در خودش می باشد؛ چون عبدی را متصل به خودش در صفات، در فعل، در اخلاق می بیند، او می شود محبوب پروردگار: (یا حبیبتی!): حبیبهٔ من! تمام درهای بهشت بر روی تو باز است، از هر دری می خواهی وارد شو. انگار، خدا به زهرا سلام الله علیها می خواهد بگوید، این هشت بهشت ملک تو است. برو دختر با عظمت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ! او به امر الله حرکت می کند. وقتی که بر دم درِ بهشت است (حالا این دری که می گویم، درِ اصطلاحی نیست؛ این در، مقام و مرتبه است) وقتی به آن جا می رسد، برمی گردد به طرف محشر و می ایستد.

حبیب با محبوبش گفت و گو می کند: دختر پیغمبر! همهٔ درها که اکنون بر روی تو باز است، پس چرا نرفتی؟

حضرت زهرا سلام الله علیها می گوید: خدایا! من دلِ تنها رفتن به آن جا را ندارم؛ یعنی اگر بروم، خوش نیستم.

خدا می گوید: پس با چه کسی می خواهی بروی؟

می گوید: خدایا! با هر که در دنیا از نظر قلب،عمل و چشم، با ما در ارتباط بوده؛ قلبش محبّ ما بوده، چشمش گریان برای من و بچه هایم بوده، عملش هم در حدّ خودش هماهنگ با من بوده است.

خطاب می رسد: من عددی برایت نمی گذارم، هر کسی را می خواهی صدا کن.

آن وقت، میلیون ها نفر با یک ندای ای پیروان ما و محبین ما و گریه کنندگان بر ما! من منتظر شما هستم که با شما به بهشت بروم؛ بیایید! و هم آن ها راه می افتند.

اگر بگویید: پس دادگاه های ما چه می شود؟ می گویم: گریه کن، عاشق و فرد عامل که دادگاه فوق العاده ای ندارند. دادگاهی شدن را هم به شما می بخشند. چون مگر شما آلوده به گناهان کبیره اید

که نگه تـان دارنـد، یـا آلوده به ربا، شـراب، قمار، ظلم بوده ایـد، و یا حق را ناحق کرده ایـد که شـما را نگه دارنـد؟ ما لغزش داریم، امّا این لغزش ها کم است؛ همان گونه که امیرمؤمنان علیه السـلام در خطبهٔ متقین در وصف آنان می گوید: (قَلِیلاً ذَلَلُهُ) (۱)، و اصـلاً بـا رحمت و کرم خـدا سازگـار نیست که برای یـک لغزش کم بگویـد، فرد را نگهش داریـد؛ زنجیرش کنیـد؛ برایش دادگاه تشـکیل بدهیـد. در دنیا دادگاه ها این کار را نمی کننـد؛ به طرفین دعوا می گوینـد، برویـد از هم بگذریـد، آن وقت خدا برای لغزشِ کم، سختگیری می کند؟!

فقط گریهٔ خالی مُحبّی، عاملی و گریه کننده ای، خارِ لغزش ها را می سوزاند و خاکستر می کند.

آن وقت همه راه می افتنـد. وقتی همه نزدیک بهشت آمدنـد، فاطم زهرا سـلام الله علیها می گوید، شـما وارد شوید، من تا نفر آخرتان در بهشت نرود، خودم نمی آیم؛ یعنی شما در بهشت مهمانِ آثار آنهایی

۱- (۱)) ۱. نهج البلاغه، ص۱۹۹، خطبهٔ حضرت در وصف متّقین و مؤمنان.

هستید که در وجودتان ظهور کرده؛ یعنی هر کس از این امت در بهشت برود، سر سفرهٔ علی، فاطمه، حسن و حسین:نشسته است، نگوید متعلّق به خودم است. اگر آن ها نبودند، ما نه به خدا راه داشتیم، نه به بهشت. این هشت رکعت نمازی را هم که امروز به ما اجازه دادند بخوانیم والله قسم، به خاطر گل روی فاطمه سلام الله علیها به ما اجازه دادند، ما خواندیم. این نماز ما هم متعلّق به گل روی زهرا سلام الله علیها بود. آن روزهٔ ماهٔ رمضان ما هم متعلّق به اهل بیت: است. آن حج ما هم متعلّق به اهل بیت: است. این اشک چشمان ما هم متعلّق به اهل بیت: است. ما چیزی از خودمان نداریم، آن ها را در دنیا به ما کریمانه می پردازند و فردای قیامت هم به صورت بهشت همین پرداخت ها ظهور می کند.

آنچه گفته شد، معنای بلد طیّب بود: (وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ). (۱)باغبانی مثل خاتم

۱- (۱)) ۱. اعراف:۵۸.

انبیاء صلی الله علیه و آله وسلم دانه های ملکوتی را به صورت قرآن در زهرا سلام الله علیها قرار داد. خداوند این دانه ها را با علم، رحمت، کرم، لطف، فضل و احسانش شکافت. چه گل هایی، و چه محصولاتی، از شکافته شدن این دانه ها به وجود آمد. تمام نمازهای زهرا سلام الله علیها و روزه های زهرا سلام الله علیها همین: (یَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ). (۱)بود. نبات ها و روییدنی ها گوناگون بود و یکی از روییدنی های وجود این بلد طیب، حسن، حسین و زینب کبری: است. این ها درخت این زمینند. آن جا هم خدا باز مثل می زند: (ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً کَلِمَهً طَیِّبَهً کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ). (۲)

برای این که قوت بین دو زمین پاک را بتوانید اندازه بگیرید، باز باید به قرآن مراجعه کنید. حضرت مریم سلام الله علیها هم بلد طیّب بود. فقط یک

۱- ((۱)) ۱. اعراف:۵۸.

۲- ((۲)) ۲. ابراهیم: ۲۴.

عیسی علیه السلام از او به وجود آمد. عیسی علیه السلام هم هیچ فرزندی از او به وجود نیامد و در سنّ سی و سه سالگی، او را به آسمان ها بردند. امّا از زهرا سلام الله علیها ، نُه امام معصوم به وجود آمد. قوت زمین و قدرت زمین را ببین!

بهار علی علیه السلام کنار فاطمه سلام الله علیها

امّا این زمین را خداوند متعال کنار بهاری مثل امیرمؤمنان علیه السلام قرار داد. چرا من از امیرمؤمنان علیه السلام تعبیر به بهار کردم؟ همین امروز مفاتیح را بخوانید. در آخرش یک سلسله دعا است. سر صفحه، به خط درشت نوشته است: دعا و زیارت ولی عصر(عج). در زیارت های امام زمان(عج) ، یک جمله اش این است: (السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَبِیعَ الْأَنَامِ!) (۱) : درود بر تو ای بهار انسان ها. امام زمان(عج) بالاتر است یا امیرمؤمنان علیه السلام ؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می گوید:

۱- ((۱)) ۱. ص ۸۷۵.

امیرمؤمنان علیه السلام ، برتر از فرزندانش است. حتی برتر از حسن و حسین علیه السلام : (ابُوهُمَا خَیْرٌ مِنْهُمَا). (۱) علی علیه السلام ، امامِ حسن بن علی و حسین بن علی علیه السلام ، و حسن و حسین علیه السلام ، مأمومِ امیرمؤمنان علیه السلام هستند. وقتی امام زمان(عج) بهار انسان ها باشد، البته، این بهار بودنش را از علی علیه السلام گرفته است.

خزانِ بهار علی علیه السلام

خدا بهاری مثل علی علیه السلام را کنار زهرا سلام الله علیها قرار داد و از نسیم این بهار است که نُه امام از این سرزمین سر بر آوردند و دنیا و آخرت را هر کدامشان به تنهایی روشن کردند. وقتی امام زین العابدین علیه السلام گلوی بریده پدر بزرگوارش را روی خاک گذاشت، فرمود: (ابَتَا! امَّا الدُّنْیَا، فَبَعْدُکَ مُظْلِمَهٌ؛ فَامَّا الآخِرَهُ، فَبِنُورَ وَجْهِکَ مُشْرِقَهٌ.) هریک از

۱- (۱)) ۱. عیون اخبار الرضا۷، ج۱، ص۲۶.

امامان، مُشْرِقِ آخرتند و جدا کردنشان از زندگی، مُظْلِم زندگی هر انسان جداشونده ای است.

بهار فصل خیلی زیبایی است، هوای خیلی زیبایی دارد، نسیمش حیات بخش است، بهار برای تمامی اهل دنیا زیباترین و با نشاطترین و صفابخش ترین زمان است. هیچ بهاری در عالم، بهار وجود علی علیه السلام نیست، و به دلیل قرآن، با شهادت زهرا سلام الله علیها این بهار خزان شد. تمام گل های این بهار پرپر شد، تمام گل ها؛ چون گفتیم زهرا سلام الله علیها انسان کاملی است و به دلیل آیات و روایات، تعریف منطقی برای او آوردیم؛ جامع همهٔ کمالات و فاقد همهٔ عیب ها. پس می شود گفت، امروز همهٔ گل های حیات علی علیه السلام ریخت؛ تمام شاخه های سبز آن، خشک شد. به این خاطر، او به کنار بدنش برگشت

ص:۳۴

و گفت: (لَا خَيْرَ بَعْدَكَ فِي الْحَيَاةِ...). (۱)زندگی دنیوی زهرا سلام الله علیها دیگر تمام شد؛ دیگر کسی علی علیه السلام را سر حال نخواهد دید. در نهج البلاغه است و سید رضی۱ آن را نقل کرده که علی علیه السلام رو به قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم گفت: من زهرا سلام الله علیها را دفن کردم، ولی یا رسول الله! تا شب نوزد رمضانی که شمشیر را بر فرق من بزنند و تا آن زمان، سی سال طول می کشد، من با این که امام معصومم، همیشه اندوهگین هستم، و دیگر، شب بی گریه ای برایم نخواهد بود، و من در تمام عمرم، مقداری از شبم را بیدار می مانم و گریه می کنم. (۲) در این جا، به سبک روضه خوان های قدیم می خواهم چند بیت شعر بخوانم. حضرت علی علیه السلام به

ص:۳۵

۱- (۱)) ۱. بحارالانوار، علامهٔ مجلسی، ج۴۲، ص.۲۱۳
۲- (۲)) ۱. نهج البلاغه، ص۲۳۸، کلام ۱۹۳.

مردم مـدینه نگفت که برای زهرا سـلام الله علیهـا گریه کنیـد. آن ها ارزش آن را نداشـتند و گریه هایشان هم نجس بود، بلکه خود کنار قبر، رو به آسمان ها کرد و گفت:

بر احوالم ببار ای ابر! اشک از آسمان امشب

که من با دست خود کردم گُلم در گِل نهان امشب

حسن گریان، حسین نالان، پریشان زینبَیْن از غم

چه سان آرام بنمایم من این بی مادران امشب

زمین! با پیکر رنجیدهٔ زهرا مدارا کن

که این پهلو شکسته بر تو باشد میهمان امشب.

ص:۳۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹